چند رباعی عاشورایی

18 تیر 1403

مسلم که به کوفه حالتی غمگین داشت
با یاد حسین سینه ای خونین داشت
بی دعوت کوفیان نیامد کوفه
صد نامه ی امضا شده در خورجین داشت

***

غم داشت به خانه ها سرایت می کرد
از فتنه ی تازه ای حکایت می کرد
با آن همه آشنا که در کوفه نبود
یک زن ز غریبه ای حمایت می کرد

***

خواهید به سوی دوست پرواز کنید
یا زندگی دوباره آغاز کنید
یک پنجره از اتاق تنهایی تان
هر صبح به سمت کربلا باز کنید

***

از شیر بخون نشسته هم می ترسند
از آه دل شکسته هم می ترسند
با حرمله و تیر و سپاه آمده اند
از کودک دست بسته هم می ترسند

***

زهرایی بود آه عمیق ات ای حر
خون می چکد از زخم عتیق ات ای حر
خجلت زده وقتی که رسیدی به حرم
شد حضرت عباس رفیق ات ای حر

**اسماعیل سکاک